

رقم عباس میرزا به میرزا موسی خان

عالیجاه مقرب الخاقان میرزا موسی خان بداند که دیروز آدم از تفلیس آمد تحریرات چند از پاسکویچ و میرزا مسعود و میرزا آمبور گرا آورد. اخبار و اوضاع روم و روس را هم پاسکویچ بمانوشته بود. خلاصه تحریرات آمبور گر این بود که مالسوف آمد و روانه تفلیس شد و صریحاً می گفت که کسان ایلچی بدسلوک بودند و اولیای دولت در آنچه شد بی خبر. آمبور گر که این طور گفته بی پاسکویچ هم خواهد گفت مجمل مسطورات پاسکویچ اینکه از بر گرداندن میر حسن خان طالش از آستارا و تسکین فتنه او مهنون شدم لکن شنیده ام از عراق سی هزار قشون و سی توپ با آذربایجان تعیین شده و قشون آذربایجان احضار و خان ما کو تدارک ذخیره می کند و تجار از آمد و شد و معامله ممنوع شده اند. مابرای هر یک جوابی نوشتیم که مایه اطمینان او باشد حاصل اخبار هم این بود که احمد پاشای احسارانی که از اهل اخسقه است در او اخر شعبان بایست و چهار هزار و غیره از سنجفای اخسقه به سداخسقه رفت قلعه را محاصره کرد، یورش برد چند جا نردبان گذاشت نقب زد قدری از دیوارها را خراب کرد محصورین را بتنگ انداخت چنین دانست امداد مانمیرسد قلعه را می گیرد لیکن من بیشتر با احتیاط کار راهی از کوه و جنگل که غیر معروف و نزدیک بود ساخته و جنرال مراد لوف را باده هزار کس در آن راه گذاشته و قدغن کرده بودم که وقت ضرورت، خود را بقلعه برسانند. مراد لوف مجرد

استحضار بامداد محصورین می‌رود جمعی را بین راهها و دره‌ها و پیش‌رومی فرستند
سالدات مازودتر میرسد و می‌گذرد و مجادله می‌شود احمد پاشا مغلوب می‌شود
هراد لوف با آنکه سی هزار دیگر از قشون ما باو نزدیک بودند و میرسیدند
انتظار رسیدن آنها را نکشیده اول سه فرسخ تعاقب آنها می‌رود و چهار توپ و
یک خمپاره و سه بیدق بدست می‌آورد و سه هزار نفر آنها را مقتول و مجروح
می‌کند. بعد که می‌شنود آنها هم خبر رسیدن امداد خود را شنیده و هوائی
دارند بر سر آنها می‌رود. از این تحریرات همینقدر معلوم گشت که اهل ولایت
اخسقه شوریده و ضربی شدید بروسیه اخسقه زده و انتظار امداد خود را داشته،
روسیه همینقدر کرده اند که قلعه را بتنهائی بعد از نوب و یورش و خرابی بعضی
از دیوار و تصرف شهر، محافظت کرده اند. فتنه اخسقه شدید است و اهالش با
غیرت و قشونش بسیار، امدادشان نزدیک و این جمعیتی که حالا کرده اند اگر
پارسال می‌کردند اخسقه بدست روس نمی‌افتاد. لکن سایر دولتها واسطه
اصلاح روم و روس شده و کار اصلاح را گرم گرفته واسطه‌ها قوی و طرفین
خسته و اتمام کار نزدیک، آمدن ایلچی از دربار همایون واجب و هر چه زودتر
برسد و برود بهتر چرا که بعد از مصالحه آنها بایکدیگر اصلاح این قضیه
باین‌طور که حالا می‌توان گذراند نمی‌شود و می‌ترسم خلاف مقصودی رو
بدهد مگر این را نوشته‌ایم حالا هم می‌نویسیم ایلچی بایست حالا با آنجا رسیده
و از آنجا گذشته باشد حالا هم زود آمدنش بسیار نفع است و دیر آمدنش
بسیار ضرر.

شهر رمضان ۱۲۴۴